تشییع رهبر شهید و بازتعریف همگرایی اسلامی



در ادبیات روابط بین‌الملل، مراسم تشییع رهبران بزرگ تنها یک آیین سوگواری نیست؛ بلکه رویدادی است که می‌تواند آرایش واقعی روابط سیاسی، میزان نفوذ نمادین یک شخصیت و شبکه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی را آشکار سازد. از این منظر، مراسم وداع و تشییع رهبر شهید، صرفاً پایان حیات یک رهبر نبود، بلکه به صحنه‌ای برای نمایش نوعی همگرایی منطقه‌ای و اسلامی تبدیل شد که فراتر از چارچوب‌های رسمی دیپلماسی قابل تحلیل است.

ترکیب هیئت‌های حاضر، بیش از آنکه بیانگر مناسبات متعارف دولت‌ها باشد، تصویری از جغرافیای واقعی ارتباطات جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی و جهان اسلام ارائه کرد. حضور مقامات عالی‌رتبه از روسیه، چین، پاکستان، عراق، ترکیه، عربستان سعودی، مصر، قطر، عمان، تاجیکستان، ترکمنستان، قفقاز، آسیای مرکزی و همچنین دبیرکل سازمان همکاری شانگهای، نشان داد که کانون اصلی این مراسم، نه قدرت‌های غربی، بلکه همسایگان، جهان اسلام، اوراسیا و جنوب جهانی بودند. این الگو، بازتابی از تحولات سال‌های اخیر در نظم منطقه‌ای است؛ نظمی که در آن وزن بازیگران غیرغربی به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است.

اما اهمیت این مراسم صرفاً در تنوع جغرافیایی مهمانان خلاصه نمی‌شود. آنچه این رویداد را از بسیاری از آیین‌های مشابه متمایز می‌کند، حضور هم‌زمان بازیگرانی بود که در بسیاری از پرونده‌های منطقه‌ای، دیدگاه‌ها و منافع متفاوتی دارند. حضور هیئت‌هایی از عربستان سعودی، عراق، ترکیه، پاکستان، مصر، عمان، قطر، اقلیم کردستان عراق و افغانستان در یک مراسم واحد، نشان داد که آیین‌های عمومی می‌توانند در شرایط پیچیده سیاسی نیز به بستری برای شکل‌گیری «فضای مشترک» میان بازیگران جهان اسلام تبدیل شوند؛ فضایی که الزاماً بر پایه توافق سیاسی شکل نمی‌گیرد، بلکه بر احترام به سرمایه‌های مشترک دینی، تاریخی و تمدنی استوار است.

از منظر اندیشه تقریب مذاهب اسلامی، این نکته اهمیت مضاعفی دارد. تقریب، تنها محصول گفت‌وگوهای نخبگانی یا نشست‌های رسمی نیست، بلکه در بزنگاه‌هایی که احساس تعلق به امت اسلامی بر اختلافات سیاسی غلبه می‌کند، نمود عینی می‌یابد. تشییع رهبر شهید را می‌توان نمونه‌ای از چنین موقعیتی دانست؛ رویدادی که در آن، نمایندگان دولت‌ها، ملت‌ها و جریان‌های مختلف اسلامی، با وجود تفاوت‌های مذهبی و سیاسی، در یک آیین مشترک حضور یافتند و بر وجود پیوندهایی فراتر از رقابت‌های روزمره صحه گذاشتند.

از سوی دیگر، این مراسم تصویری روشن از جابه‌جایی تدریجی مرکز ثقل روابط خارجی ایران نیز ارائه داد. اگر در گذشته، بسیاری از رویدادهای بین‌المللی با معیار حضور یا عدم حضور قدرت‌های غربی سنجیده می‌شد، این مراسم نشان داد که ارزیابی جایگاه منطقه‌ای ایران، بیش از هر زمان دیگری باید بر اساس تعامل با همسایگان، کشورهای اسلامی، اعضای سازمان‌های منطقه‌ای و قدرت‌های نوظهور انجام شود. حضور گسترده کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، جهان عرب، جنوب آسیا و شرق آسیا، بیانگر شکل‌گیری شبکه‌ای از تعاملات است که ظرفیت تأثیرگذاری آن در معادلات آینده منطقه قابل توجه خواهد بود.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که این همگرایی، بدون دستورکار رسمی، بیانیه مشترک یا مذاکرات دیپلماتیک شکل گرفت. در واقع، خودِ آیین تشییع به بستری برای دیپلماسی نمادین تبدیل شد؛ دیپلماسی‌ای که از طریق احترام به یک شخصیت اثرگذار، امکان گفت‌وگو، تعامل و ارسال پیام‌های سیاسی را فراهم ساخت. این تجربه نشان می‌دهد که در کنار دیپلماسی رسمی، ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و آیینی نیز می‌توانند در کاهش فاصله‌ها و ایجاد زمینه‌های جدید همکاری میان کشورهای اسلامی نقش‌آفرین باشند.

از این منظر، تشییع رهبر شهید را نباید صرفاً یک رویداد داخلی یا حتی یک مراسم بین‌المللی دانست؛ بلکه می‌توان آن را نمونه‌ای از «همگرایی مناسکی» در جهان اسلام تلقی کرد؛ همگرایی‌ای که نشان داد سرمایه‌های نمادین مشترک، همچنان توانایی گردهم آوردن بازیگران متنوع جهان اسلام را دارند. این تجربه، برای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز حامل یک درس راهبردی است: هر اندازه ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و معنوی امت اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گیرد، امکان تبدیل اشتراکات تمدنی به همکاری‌های سیاسی و اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب